



دنیا پس از ۱۱ سپتامبر

“جهان متمدن” کجاست؟ بربریت محتوم نیست
منصور حکمت

حکمتیست ۱۷۶

۱۱ سپتامبر ۲۰۱۷ - ۲۲ شهریور ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

سر ستون

پرونده تان را سنگین تر نکنید!

فواد عبداللہی

بیش از ۴۰ روز است تعداد بیشماری از فعالین سیاسی و اجتماعی در زندان رجایی شهر کرج و سایر زندانهای دیگر، در اعتصاب غذا به سر می برند؛ ۴۰ روز است در دفاع از کرامت انسانی خود، در اعتراض به ناامنی، ناحق، له شدن ابتدایی ترین حقوق انسانی، راهی جز اعتصاب غذا برایشان باقی نگذاشته اند. آیا جمهوری اسلامی می داند که حداقل همان تعداد نفری را که به اعتصاب غذا کشانده است، تبدیل به دشمن خونی خودش کرده است؟ خودش حساب کند که چند نفر را تا همین الان کشته و بدبخت کرده و چند میلیون دشمن از مردم ایران برای خودش تراشیده؟ البته، اگر احتیاجی باشد، خودشان بهتر از همه می دانند که در وسط چه اقیانوسی از نفرت مردم تنها مانده اند.

براستی معیار و محک ناامنی، استبداد و توحش در یک جامعه را باید در ذات حاکمیت جمهوری اسلامی، از سران ریز و درشت نظامی که بدون زندان و شکنجه گر و زندان بان یک روز هم دوام نخواهند آورد، مشاهده کرد. اگر آزادی در این جامعه پیشیزی ارزش داشت کسی مجبور نبود در اعتراض به بی عدالتی، اعتصاب غذا کند. اگر جان انسان نزد این مجنون های در حاکمیت و قدرت، بهایی داشت، کسی مجبور نبود بر تن و جسم خود تیغ بکشد. تنها در یک نظام مستبد و مختنق که عشق به عدالت و انسان و رهایی را در غل و زنجیر کرده اند، آخرین فشنگ در ته خشاب، انعام حاکمین به محکومین می شود. ... ←

جنگ تروریستها میتواند آغاز یکی از خونبار ترین دوره های تاریخ معاصر باشد. تا همینجا نفس در سینه صدها میلیون انسان حبس شده است. اما این دورنما محتوم نیست. صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند، اگر این غول بیدار شود، سر آغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهایی در جهان باشد که بشریت در دهه های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. بوش و بلر و خامنه ای،

آمریکا و ناتو و اسلام سیاسی، نمیدانند که واقعا یک بشریت متمدن، یک جهان متمدن، وجود دارد که ممکن است در این میان برخیزد و در مقابل جنگ تروریستها از خود دفاع کند. علیرغم همه این تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته اند. قرن بیست و یکم میتواند قرن بربریت کاپیتالیستی نباشد. این روزهای تعیین کننده ای است. رسانه ها سیمای ایدئولوژیکی و معنوی واقعی جهان را منعکس نمیکند. روایت خود را میگویند، روایت حاکم، روایت طبقه حاکم.

روایتی که بدرشان میخورد. میلیتاریسم، تروریسم، راسیسم، قوم پرستی، فئاتیسم مذهبی و سودپرستی، در صدر اخبارند، اما در عمق ذهن اکثریت مردم دوران ما جای محکمی ندارند. یک نگاه ساده به دنیا، نشان میدهد که توده های وسیع مردم جهان از دولتها و رسانه ها چپ ترند، نوعدوست ترند، صلح دوست ترند، مساوات طلب ترند، آزاد ترند، آزادیخواه ترند.

مردم در دو سوی این کشمکش ننگین، تمایلی به سواری دادن به سران بورژوازی ندارند. ص ۳

هفته ای که گذشت

مظفر محمدی



به دنبال جنایت جمهوری اسلامی و کشتن دو کولبر در مرز هنگ ژال بانه موجی از اعتراضات مردم از شهر بانه شروع شد و حمایت شهرهای دیگر کردستان را به همراه داشت. روز ۱۳ شهریور خانواده و بستگان کولبران در مقابل ساختمان فرمانداری تجمعی اعتراضی به راه انداختند و طی فراخوانی مردم بانه و بازاریان در روز ۱۴ شهریور دست به اعتصاب عمومی و اعتراض خیابانی زدند و ماشین های فرمانداری شهرستان بانه را

آتش زدند. با حمله نیروهای نظامی رژیم ۱۵ نفر زخمی و تعدادی دستگیر شدند. مردم سردشت به عنوان حمایت، حرکت پیاده روی نمادین را به راه انداختند. جمعی از مردم سنجند نیز به دنبال فراخوانی در مدیای مجازی، روز پنج شنبه ۱۶ شهریور تصمیم به برگزاری تجمع اعتراضی در میدان آزادی را داشتند که با فضای به شدت امنیتی و ملیتاریزه شهر روبرو شدند. نیروهای امنیتی به بهانه جشنواره فیلم، خیابان محل

تجمع مردم را بسته بودند، با وجود این تظاهر کنندگان با شعار "بانه تنها نیست" حمایت خود را اعلام داشتند. در همین هفته تجمع کارگران و دانشجویان و مردم آزادیخواه تهران ابتدا جلوی مجلس و سپس خیابان های اطراف و تا متروی شهر برای آزادی رضا شهابی که یک ماه است در اعتصاب غذا بسر می برد، برگزار شد. همزمان اعتصاب کارگران قطار اهواز، ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

هفته ای که گذشت ...

خواست و مطالبه همه اعتصابات و تجمعات و از جمله تظاهرات مردم در شهرهای کردستان یکی است. تامین معیشت شهروندان با افزایش دستمزدهای زیر خط فقر و بیمه بیکاری به همه بیکاران. دولت مسوول تامین کامل معیشت جامعه است تا کسی مجبور نشود به مشقت کولبری که توهین به انسان است، به تن فروشی و فروش اعضای بدن خود... تن دهد.

ناسیونالیست های کرد طبق روال همیشگی، برای کولبران نه بخاطر کارگر و زحمتکش بودن بلکه بخاطر کرد بودن اشک تمساح ریختند. ناسیونالیسم و قوم پرستی همیشه تلاش کرده است تا مبارزات حق طلبانه مردم

کردستان را قومی، ملی و مذهبی کند.

اما سالانه هزاران اعتصاب کاری و تجمعات اعتراضی معلمان، بازنشستگان و زنان و مردان و جوانان آزادیخواهان در سراسر ایران، برای زندگی بهتر و علیه فقر و فلاکت و فساد و سرکوب نشان می دهد، که همگی یک دشمن مشترک دارند. سرمایه داران و نظام حامی شان نان مردم را گرو گرفته اند. دستمزد ناچیز کارگر را نمی پردازند، میلیون ها بیکار را در فقر و گرسنگی مطلق نگه داشته اند، کولبری، کار کودکان، تن فروشی و... را رایج کرده اند و بعنوان شغل به جامعه می فروشند.

این مبارزات جدا از هم و رنگ قومی و منطقه ای و مذهبی ندارند. مبارزه

کارگران و زحمتکشان و تنگدستان جامعه برای تامين رفاه و آسایش و امنیت و آزادی است. مبارزه ای طبقاتی میلیون ها کارگر و زحمتکش علیه طبقات دارا و غاصبان مال و ثروت جامعه است.

تنها همسرنوشتی طبقاتی و همبستگی مبارزاتی در سراسر ایران می تواند، این اعتراضات و مبارزات مداوم را به نتیجه و پیروزی برساند. وظیفه بخش آگاه طبقه کارگر و کلیه فعالین کاری و مدنی و سیاسی آزادیخواه و برابری طلب است که اتحاد طبقاتی و همبستگی و بهم پیوستگی مبارزاتی را تامین کنند.

کارگران کمونیست و کمونیست های جامعه در میان زنان و مردان و جوانان می توانند و باید لولای این اتحاد و همبستگی باشند.

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند.

راه پیروزی اعتراضات و مبارزات توده های کارگر و زحمتکش را نشان دهند و از هرگونه کج روی و هرز رفتن نیروهای اجتماعی و تزریق سم ناسیونالیسم و تفرقه در صفوف طبقه کارگر و مردم زحمتکش، جلوگیری کنند.

کمونیست هایی که خود بدوا دست به دست هم داده و فارغ از هرگونه فرقه گرایی و تنگ نظری سیاسی و سازمانی، در کارخانه، دانشگاه، محله ...، متحد و سازمانیافته و هدفمند و با برنامه و افق روشن، نقشه و

است. در جمهوری اسلامی و متعلقاتش از بی بی سی و فرخ نگهدار و وراج های بی خاصیت "اصلاح طلب" و بیماران شکنجه گراش همه قلبشان همزمان و هم رitm می تپد: همشان ضد آزادی، خوشبختی و برابری هستند.

زندانیان را آزاد کنید! پرونده تان را سیاه تر و سنگین تر نکنید!

این آن جایی است که دیگر مرزهای سیاسی و ملی و رنگ پوست و لهجه محو خواهند شد.

یکی از معیارهای مهم در یک جامعه انسانی، تامین امنیت جان انسانها است. معیار و محک و ارزش یک جامعه آزاد آزادی بی قید و شرط بیان انسانها است؛ به این دلیل ساده که انسان خواهان نقد، تغییر و زیر و زبر کردن کل "ارزش"ها

تماشاچیان بی حرف و حامیان خاموش جهانی این نظام، کر و دیوانه شوند. امروز دیگر تماما با مردم ایران است که کاری نکنند. نشان بدهند که انگیزه و قدرتشان برای دفاع از آنها که در زندانهای این نظام محکوم به مرگ تدریجی شده اند و برای دفاع از زندگی، آزادی و بقا خود و عزیزانشان از جنون این حاکمیت، قدرتمندتر است.

روزها و این اعتصابها در تاریخ ایران و با اعلام جرمی به قدمت سرکوب و شقاوت خواهند ماند. در مورد این مقاومت ها در زندانها باید گفت و گفت و نوشت و نوشت و نوشت و نوشت. هر تک جمله، هر تک حرکت، هر سکوت سنگینی که از هر فریادی کوبنده تر است باید آن را تا حدی انعکاس داد که جلادان جمهوری اسلامی و دولت اعتدالشان،

پرونده تان را ...

اما تا همین الان اش، این جزیره کوچک، در اقیانوسی به عظمت تاریخ و جهان و انسانها، با نظامی فووکول کروات رو به جامعه جهانی و تا دندان مسلح رو به مردم اش، با حجم نامتناهی از خون هایی که از همین مردم ریخته است، دارد کشور مقاومتها و افسانه ها و اسطوره ها میشود. این

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

دنيا پس از ...

رقبای امروزی، با هیچیک نیستند، هوش زیادی نمیخواهد. این بشریت متمدن زیر آوار پروپاگاند و مغزشویی و ارباب در غرب و شرق به سکوت کشیده شده، اما بروشنی میشود دید که این مزخرفات را پذیرفته است. این یک نیروی عظیم است. میتواند به میدان بیاید. بخاطر آینده بشریت، باید به میدان بیاید. تمام دشواری کار اینجاست. به میدان آوردن این نیروی عظیم. در جنگ تروریستها خطوط نبرد تعریف شده است، صفوف تفکیک شده، منابع و نیروها بسیج شده اند، این یک رویارویی نظامی و سیاسی و دیپلماتیک وسیع است، اما علیرغم همه ابهامات، چهارچوب فکری و سیاسی این جنگ برای سردمداران هر دو اردوگاه روشن است. اما در اردوی ما، در اردوی بشریتی که باید جلوی این دورنمای هولناک بایستد، همه چیز مبهم است.

در این شک نیست که صف مقاومت در برابر جنگ تروریستها هم اکنون در کشورهای مختلف وسیعاً شکل گرفته و فعال شده است. اما همانقدر که اسلامیت ها و آمریکا به یک تئوری و استراتژی روشن، به یک تبیین واحد و کارساز، نیاز دارند، این جنبش مردمی هم به یک پرچم فکری و سیاسی و یک سلسه اصول استراتژیکی کار ساز احتیاج دارد. جنبشهای سیاسی مختلف، بویژه در جناح چپ، خواهند کوشید به این مقاومت خط بدهند و رهبری آن را بدست بگیرند. سوال اینجاست که چه خطی به خود این "چپ" حاکم است.

در بخش قبل گفتیم که در کنار عقابهای هر دو قطب،

۱۱ سپتامبر گوشه ای از پاسخ اسلام سیاسی به این وضع است. همچنانکه سر کار گذاشتن طالبان، تخریب بغداد، گرسنگی دادن مردم عراق، خفه کردن مردم فلسطین، بمباران بلگراد و اکنون "جنگ طولانی با تروریسم" گوشه ای از پاسخ سران سرمایه در آمریکا و اروپا به این تضادهاست. جنبش مردمی در برابر چنین اوضاعی نمیتواند یک جنبش دعوت به آرامش و "حمله به افغانستان ممنوع" باشد. آرامش و حفظ وضع موجود نه فقط عملی نیست، نه فقط تخیلی است، بلکه عادلانسه نیست، آزادیخواهانه نیست، کارساز نیست. جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ تروریستها فقط میتواند حول پاسخهای اثباتی برای معضلات سیاسی و اقتصادی گریه عصر ما و حول یک موضع فعال نه برای حفظ وضع موجود، بلکه برای تغییر وضع موجود، سازمان یابد. ما در قبال تمام معضلاتی که با این رویدادها به جلوی چشم آمده، مساله شمال و جنوب، مساله فلسطین، مساله عراق، مساله اسلام سیاسی، مساله افغانستان و ایران، مساله میلیتاریسم و قدر قدرتی آمریکا و ناتو در نظم نوین جهانی، مساله راسیسم، مساله قلعه اروپا و غیره دستور کار مستقل و پاسخهای مستقل خود را داشته ایم. این باید به دستور کار و پاسخهای جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ تروریستها تبدیل شود. این فرق ماست با آرامش طلبان و پاسیفیستهایی که شکافها و تضادها و بی ثباتی دنیای قبل از ۱۱ سپتامبر را نمیبینند یا به آن بی تفاوتند. اگر ما قبل از همه این ماجراها دستوری

برای تغییر جهان داشته ایم، مبنای یک موضعگیری اصولی در شرایط حاضر نیز باید دنبال کردن همان دستور کار در این شرایط جدید باشد. ما قصد نداریم افغانستان را زیر دست باند آدمکش طالبان باقی بگذاریم، ما قصد نداریم زیر حاکمیت آمریکای دست به موشک زندگی کنیم، ما قصد نداریم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را در خاورمیانه تحمل کنیم، ما قصد نداریم به بی کشوری مردم فلسطین و سرکوب هرروزه شان رضایت بدهیم. ما تروریسم چه اسلامی و انتحاری و چه ارتشی و پاگونی نمیخواستیم، ما این فقر را در نیمی از جهان نمیپذیریم، ما برج و بارو گرداگرد اروپا نمیخواهیم، ما به راسیسم و قومپرستی گردن نمیگذاریم. نه جنایت ۱۱ سپتامبر و نه مجاهدات قریب الوقوع ناتو در هندوکش نباید از یک جنبش فعال برای تغییر جهان یک صف سلیم النفس و آرامش طلب بی انتقاد و بی وظیفه بسازد.

جنبش "انساندوستانه" و صلح طلبانه پاسخ شرایط امروز نیست. اما نفوذ این جنبش بویژه بر مردم عادی جامعه غربی، بدلیل خشونت گریزی و نعدوستی و همچنین محافظه کاری خودبخودی مردم، بسیار وسیع است. چنین موضعی دخالت آمریکا در افغانستان را محکوم میکند، اما در قبال حاکمیت طالبان از خود سلب مسئولیت میکند. تحریر علیه مسلمانان و راسیسم را محکوم میکند، اما دلیلی برای اعمال فشار به اسرائیل و آمریکا به نفع مردم فلسطین نمیبیند. این موضع برای چک استرا در سفرش آرزوی موفقیت میکند تا ...

نشریه حکمت**حزب حکمتیست (خبر رسمی)****www.hekmatist.com**

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تلفن حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دیگر بر مردم افغانستان محکوم است. اما سرنگونی طالبان توسط ارتشهای خارجی بخودی خود محکوم نیست. طالبان یک دولت مشروع در افغانستان نیست. باید سرنگون بشود. مساله بر سر دولتی است که بجای آن مینشیند و تضمین آزادی و امکان عملی دخالت مردم افغانستان در تعیین نظام سیاسی این کشور.

توضیح حکمتیست: بخش دوم این مجموعه برای اولین بار در سپتامبر ۲۰۰۱ و بدنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به برج های دو قلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک، به نگارش در آمده است..

میل پاکستان باشد. قرار است جانورانی را بردارند و از همان قماش کسان دیگری را بگذارند. موضع اصولی شرکت دوشادوش اپوزیسیون پیشرو و مردم افغانستان برای سرنگونی طالبان در متن شرایط کنونی و برقراری یک دولت منتخب مردم در این کشور است. باید این را به غرب و آمریکا و سازمان ملل تحمیل کرد. هرنوع حمله نیروهای آمریکا و موثلفین آن و به مردم غیر نظامی افغانستان و تخریب شهرها و روستا ها و زیرساختها و وسائل مادی زندگی شان باید محکوم بشود. هرنوع بند و بست میان آمریکا و پاکستان و ایران و سایر دول برای حقنه کردن یک دارو دسته

میتواند محدود بماند، اما بخصوص بدلیل خصلت غیر متمرکز و افراطی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی، به احتمال قوی به یک تعیین تکلیف بنیادی تر خواهد کشید. اسلام سیاسی بدون حمایت غرب در خاورمیانه ماندنی نیست. تا همنجا بالاگرفتن نبرد سکولاریستها و اسلاميون در پاکستان و حال آمدن پیکر نیمه جان خاتمیون در ایران و اوجگیری مجدد کشمکش جناحها، حاکی از این است که نبرد غرب با اسلام سیاسی میتواند چاشنی تغییرات جدی ای در تناسب قوای فراکسیونهای بورژوازی در این کشورها به زبان اسلاميون باشد. در قبال نفس حمله آمریکا به افغانستان چه میتوان گفت. آیا "دستها از افغانستان کوتاه!" یک موضع اصولی و پیشروست؟ مردم افغانستان و اپوزیسیون آن جز این بشما خواهند گفت. افق سقوط طالبان، یک باند آدمکش و دلال بزرگ مواد مخدر نیروهای سیاسی افغانستان را به تحرک خوشبینانه ای کشانده است. خواست سرنگونی طالبان یک خواست انسانی و پیشروست. نباید اجازه داد مخالفت درست و اصولی با میلیتاریسم آمریکا به رها کردن افغانستان زیر دست طالبان معنی شود. این یکی از نمونه های زنده ناکافی بودن و نادرست بودن آرامش طلبی و دفاع از وضع موجود است. مردم افغانستان یک عمر منتظر روز سقوط طالبان بوده اند. واقعیت اینست که آمریکا برای رهایی افغانستان وارد این کشور نمیشود. اینها طالبان را سرکار آورده اند. اینبار ممکن است تضعیف کنند، اما بطور دفاکتو موجودیتش را بپذیرند. به مشرف قول داده اند حکومت بعدی افغانستان همچنان باب

مساله واقفند. تبیین رسمی غرب از مساله در چهارچوب تبیین های هالیوودی و جیمزباندی ای قرار میگیرد که ظاهرا اینها خوراندن آن به مردم را ساده تر و سریع تر ارزیابی میکنند. میلیونر و یا گانگستر دیوانه ای در گوشه پرتی از جهان قصد نابودی مدنیست را دارد، صدام، میلوسویچ، بن لادن، و قهرمانهای آمریکایی برای نجات بشریت عزازم میشوند. اما تحلیلهای خودشان نشان میدهد که اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی یک مقرر مرکزی و یک فرماندهی واحد و یک سازمان هرمی ندارد، یک حرکت بین المللی متشکل از سلولها و سازمانها و شبکه ها و محافل دولتی است که در یک سلسله روابط رسمی و غیر رسمی، بصورت یک جنبش زیر زمینی، با ابتکارات وسیع در سطح محلی، بهم بافته شده است. ورود به افغانستان برای غرب شروع یک کمپین نظامی و سیاسی وسیعتر است. دستگیری یا قتل بن لادن تبعا این نتیجه را دارد که در صحنه داخلی آمریکا از فوریت اقدامات نظامی بعدی کم کند و مصداقی برای "انتقام آمریکا" باشد که میتواند فضای داخلی آمریکا را تا حمله تروریستی بعدی اسلاميون، و فقط تا آنوقت، آرام کند. اما، این قدم کوچکی در یک حرکت سیاسی و نظامی وسیع تر در خاورمیانه است که دامنه نهایی آن هنوز اعلام نشده است. در تحلیل نهایی این یک زورآزمایی با اسلام سیاسی است. یعنی جنبش ارتجاعی ای که غرب خود در حاشیه جوامع خاورمیانه پیدا کرد و برای مقابله با چپ در سرمایه داری های نوظهور این کشورها و فشار به بلوک شرق به جلوی صحنه کشید. این زورآزمایی

دنیا پس از ...

شاید این قطب تروریسم اسلامی را آرام و رام کند، هرچند حاکمیت این گرگها بر مردم ایران را تحکیم میکند، این موضع از حقوق مدنی مردم مسلمان در کشورهای غربی دفاع میکند، اما برای رفع تشنج، انتقاد به حجاب اسلامی و بیحقوقی زنان در اسلامی و محیط اسلامی را مردود میشمرد و مانع میشود. این موضع همه را به ترک صحنه و رها کردن اوضاع به همانصورت که قبلا بود فرا میخواند. اگر این جنبش بر ذهنیت و عمل مردم ناراضی غلبه پیدا کند بشریت متمدن صحنه را برای تروریستهای غربی و شرقی خالی خواهد گذاشت. اگر آینده ای بخواهد وجود داشته باشد، پیدایش یک خط مشی فعال، آزادخواهانه و پیشرو در جلوی صف مردم است. این کار کمونیستهای کمونیستهای نوین، کمونیستهای مارکس. این کار ماست. در بخش بعد به رئوس اصلی یک خط مشی فعال در برابر جنگ تروریستها خواهم پرداخت. اما لازم است به اختصار به فوری ترین مساله ای که این روزها مطرح است یعنی حمله قریب الوقوع آمریکا به افغانستان اشاره ای بکنم. ۹۹ درصد مردم جهان میدانند و میتوانند بروشنی توضیح بدهند که چرا حمله نظامی آمریکا به افغانستان و حتی دستگیری و یا کشتن بن لادن، که هدف اعلام شده این عملیات است و از نظر فنی بنظر بسیار نامحتمل میرسد، نه فقط خطرات تروریسم اسلامی علیه آمریکا و انگلستان را کاهش نمیدهد، بلکه ریسک عملیات بعدی را بشدت افزایش میدهد. کاملاً مشهود است که خود دولتهای آمریکا و انگلستان به این